

ج ۱، ص ۵۱۰-۵۱۱).  
سید او را در کسفت  
حمایت گرفت. تربیت  
سیدشفتی و استعداد  
ذاتی سروش خیلی زود  
او را زیانزد همگان کرد  
(شعری اصفهانی،  
ص ۲۰۴؛ نسیز ←  
وفازواره‌ای، ص ۲۰۴).  
سروش پیش از ورود به  
اصفهان، «منشی»  
تخلص می‌کرد و پس از  
آن تخلص «سروش» را



میرزا محمد علی سروش اصفهانی

برگزید (سروش اصفهانی، ج ۱، همان مقدمه، ص ۶، ۹). وفا  
زواره‌ای (ص ۲۰۴) مدعی است که او تخلص سروش را برای  
این شاعر برگزیده است. طولی نکشید که بهتان حسودان به او  
باعث شد که اصفهان را ترک کند (سروش اصفهانی، ج ۱،  
ص ۱۶۲)؛ در ۱۲۴۷، ناگزیر به گلپایگان رفت و کمی بعد  
در حالی که حدود بیست سال داشت روانه تهران شد و با سرودن  
قصیده‌ای در مدح عباس میرزا و تهنیت فتح خراسان، مرتبه  
شاعری خود را به درباریان شناساند (شعری اصفهانی، ص ۲۰۴؛  
نیز ← سروش اصفهانی، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۱۳). سپس همراه  
محمد محسن میرزا، شاهزاده شاعر و فاضل، عازم تبریز شد  
(شعری اصفهانی، همانجا) و تا ۱۲۶۴ در آنجا ماند و برخی از  
شاهزادگان قاجاری از جمله ناصرالدین میرزا را - که بعدها به  
شاهی رسید - مدح کرد. او جمعه ۲۱ ذیقعدة ۱۲۶۴ در رکاب  
ولیعهد به تهران آمد و روز بعد در سلام عام، قصیده تهنیت  
جلوس شاه را برخواند (سروش اصفهانی، ج ۱، ص ۴۰۷).  
از آن پس تا پایان عمر در دربار ناصرالدین شاه در اوج عزت و  
حرمت زیست و به مناسبت‌های مختلف، شاه قاجار را مدح کرد و  
صله‌های گران دریافت کرد (سروش اصفهانی، ص ۲۰۶؛  
هدایت، ج ۲، بخش ۱، ص ۵۸۰؛ سروش اصفهانی، ج ۱، همان  
مقدمه، ص ۱۰، ۱۲-۱۳). در ۱۲۷۰ شاه به او لقب  
«شمس الشعرا» داد و دو سال بعد، لقب «خانی» در مراتب  
دیوانی را دریافت کرد (شعری اصفهانی، همانجا؛  
اعتماد السلطنه، ج ۳، ص ۱۷۸۳). سروش در ۱۲۸۵ درگذشت  
(هدایت، همانجا؛ اعتماد السلطنه، ج ۳، ص ۱۹۰۶؛ سروش  
اصفهانی، ج ۱، همان مقدمه، ص ۱۳).

سروش از شاعران ممتاز بازگشت ادبی\* در دوره قاجار  
است؛ چنان‌که پس از قآنی، باید او را معروف‌ترین شاعر این  
عهد دانست. طرز سخن او، همانند دیگر شاعران دوره بازگشت،

(Jan. 1915); *The Dictionary of art*, ed Jane Turner, New  
York: Grove, 1998, s.v. "Sarvistan" (by Lionel Bier); Jane  
Henriette Magre Dieulafoy, *La Perse, la Chaldée et la  
Susiane...*, Paris 1887; Eugène Flandin and Pascal-Xavier  
Coste, *Voyage en Perse*, Paris 1851-1854; Oleg Grabar,  
*Early Islamic art: 650-1100*, vol.1, Hampshire 2005;  
William Ouseley, *Travels in various countries of the East,  
more particularly Persia*, London 1819-1823; Arthur  
Upham Pope, *Persian architecture*, Tehran 1976; Oscar  
Reuther, "Sasanian architecture: a history", in Arthur  
Upham Pope, *A survey of Persian art*, vol. 2, Tehran  
1977; Friedrich Sarre and Ernst Herzfeld, *Archäologische  
Reise im Euphrat-und Tigris-Gebiet*, vol 2, Berlin 1920;  
Erich Friedrich Schmidt, *Flights over ancient cities of  
Iran*, Chicago [1940]; Maxim Siroux, "Le palais de  
Sarvistan et ses voufes", *Studia Iranica*, vol. 2 (1973);  
David Stronach, "Reviewed work: Sarvistan: a study in  
early Iranian architecture by Lionel Bier", *Journal of the  
American Oriental Society*, vol. 109, no. 3 (Jul. -Sept.  
1989).

لهدی گلچین عارفی /

سروش اصفهانی، میرزا محمد علی، شاعر دوره قاجار.  
تخلص وی «سروش» و ملقب به شمس الشعراست. زادگاه وی  
فروشان، از محلات سه‌گانه سده، در غرب اصفهان است  
(سروش اصفهانی، ج ۱، مقدمه جلال‌الدین همایی، ص ۱-۲)؛  
آقازیرگ تهرانی، ج ۹، قسم ۲، ص ۴۴۴. در حدود ۱۲۲۸ به دنیا  
آمد. خودش در قصیده‌ای که در ۱۲۴۸ در مدح عباس میرزا  
سیروده، به بیست‌سالگی اش اشاره کرده است (سروش  
اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۳، همان مقدمه، ص ۲، ۸). پدر سروش،  
قنبر علی سدهی، قصاب بود و سروش در دکان او شاگردی  
می‌کرد (وفازواره‌ای، ص ۱۹۹). سروش در قصیده‌ای (سروش اصفهانی، ج ۱،  
ص ۱۶۲)، نیای خود را از «شمار اعیان» و نیاکانش را «پیشکار  
ملوک» روزگار شمرده است؛ ظاهراً به همین سبب، نسب او به  
امیرنجم ثانی، از فرماندهان سپاه شاه اسماعیل صفوی، رسانده  
شده است (سروش اصفهانی، ص ۲۰۲). سروش با اینکه در  
ابتدا از خط و سواد بهره‌ای نداشت، در شعر صاحب استعداد  
فطری بود. در پانزده‌سالگی و در حدود ۱۲۴۳، از سده به  
اصفهان آمد و با خواندن قصیده‌ای در محضر سید محمد باقر  
شفتی\* پیدابادی (متوفی ۱۲۶۰) - از علمای بنام و از مشوقان  
فضل و ادب - حیرت همگان را برانگیخت (وفازواره‌ای،  
ص ۲۰۴؛ شعری اصفهانی، ص ۲۰۳؛ نیز ← سروش اصفهانی،

# Iran Milli Kütüphane Kataloğu

Sura, kalpler

۱۳۳۷ف:

شماره کتابشناسی ملی

سرشناسه: اصفهانی، سروش

عنوان و نام پدیدآور: اردیبهشت سروش اصفهانی

وضعیت استنساخ: قرز سیزدهم ه.ق

آغاز، انجام، انجامه: آغاز نسخه: ابر پاک یزدان فراوان سپاس که ما را از اهریمنان داشت پاس

انجام نسخه: رساندم بسرانکه این داستان که بود از گل آراسته بوستان

: معرفی کتاب: در اردیبهشت سروش سر آن دارد تا: "سخن از علی گوی و پیغمبر در آن یازده شاه دین پرورا" که شرح حال پیغمبر را از زمان زادن تا بعثت و وفات و سپس شرح حال یکایک دوازده امام شیعه را بپردازد و در پاره‌ای از موارد اشعار او بسیار نیکوست

مشخصات ظاهری: ۱۱۵ برگ، ۲۱ سطر کامل، اندازه سطور ۲۵۰×۱۴۰

مشخصات ظاهری اثر: نوع کاغذ: فرنگی

خط: نستعلیق نسبته خوش

تزیینات جلد: تیماج قرمز، مقوایی، ۲۱۰×۳۴۵

تزیینات متن: سرفصلها با مرکب قرمز

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۱۳

سرشناسه: اصفهانی، سروش

عنوان و نام پدیدآور: منتخبی از دیوان سروش سروش اصفهانی

آغاز، انجام، انجامه: آغاز نسخه: منتخبات دیوان افصح الشعرا استادی سروش علیه الرحمه. بسمله: در مدح سپهبد سلطان گوید: باز جهان گشت خرم و خوش و زیبا ...

انجام نسخه: موافقان ترا باد دل تهی از غم منافقان ترا باد تن تهی از هوش

: معرفی کتاب: این منتخب حاوی پاره‌ای از قصائد و مسمطات سروش است بدین شرح: از صفحه یک تا ۴۴۳ قصائد (بدون رعایت ترتیب حروف تهجی آخر قوافی از ۴۴۴ تا ۵۱۱ مسمطات و از ۵۱۲ تا آخر نسخه ایضا قصاید

مشخصات ظاهری: ۲۶۵ برگ، ۱۰ سطر کامل، اندازه سطور ۱۱۵×۴۵

مشخصات ظاهری اثر: نوع کاغذ: فرنگی

خط: شکسته نستعلیق

تزیینات متن: بعضی سرفصلها با مرکب قرمز، یک‌لایی، ۱۰۵×۱۷۰

شماره ثبت: ۱۰۰۰۶/۱/۱/۱:

Qajar Literature

scholarship. According to a tradition, he was endowed with a prolific memory and could recite thirty thousand verses by heart. He chose to reside in Iṣfahān, and there he is reported to have met the traveller Pietro de la Valle, who visited the city in 1032/1622-3. Surūrī made a journey to India and was in Lāhawr during the reign of Shāh Dījahān in 1036/1626-7. From there he went on a pilgrimage to Mecca, but died on the way.

Surūrī was the author of the famous Persian-to-Persian dictionary, the *Maḍjma' al-Furs* "A collection of words from the Persian language", also known as *Farhang-i Surūrī*. In the preface of the book (see *Farhang-i maḍjma' al-Furs*, ed. Muḥammad Dabīr Siyākī, Tehran 1338/1960, i, 1-6), the author states that he compiled his dictionary after consulting a number of works, gives the names of many of these works, and dedicates his production to Shāh 'Abbās I [q.v.]. Several years later, he prepared an enlarged edition of his book after he had come into possession of Djamāl al-Dīn Ḥusayn Inḍju's dictionary, the *Farhang-i Dījahāngīrī*, a copy of which was brought to him from India, and from which he was to benefit in the revision of his own work. In the meantime, Surūrī had compiled a concise version of *Maḍjma' al-Furs*, named *Khulāṣat al-Maḍjma'*, the preface of which carries an endorsement to I'timād al-Dawla Ḥātim Beg, minister of 'Abbās I. It must have been composed not later than 1018/1609-10, since the Catalogue of the Sipah Sālār Library refers to a copy of the work in a private collection bearing that date (see *Fihrist-i Kūtābkhāna-yi Madrasa-yi 'Alī-yi Sipah Sālār*, Tehran 1316-18/1938-40, ii, 222).

Surūrī's *Maḍjma' al-Furs* is a useful piece of Persian lexicography; for the meaning of its terms, which are arranged according to their initial and final letters, it provides illustrative examples from the works of the poets.

Surūrī was also a poet, and some of the verses composed by him are cited by Muḥammad Ṭāhir Naṣrābādī in his *Tadhkira*, ed. Waḥīd Dastgardī, Tehran 1361/1982, 291.

**Bibliography:** In addition to references in the text, see also H. Blochmann, *Contributions to Persian lexicography*, in *JASB*, xxxvii/1 (1869); P. de Lagarde, *Persische Studien*, repr. Osnabrück 1970; Rieu, *Catalogue of Persian manuscripts in the British Museum*, ii, Add. 7681; Blochet, *Catalogue des manuscrits Persans*, Bibliothèque Nationale, Paris, i-ii, 995; Sayyid Muḥammad 'Alī Dā'ī al-Islām, *Farhang-i Nizām*, Tehran 1364/1985, v; Dihkhudā, *Lughat-nāma*, s.v. *Surūrī*; Muḥammad Mu'īn, *Farhang-i Fārsī*, v, Tehran 1371/1992; Sa'īd Nafīsī, *Tārīkh-i nazm u nathr dar Irān wa dar zabān-i Fārsī*, i, Tehran 1363/1984; Dhabīḥ Allāh Safā, *Tārīkh-i adabiyāt dar Irān*, v/1, Tehran 1372/1994; Muḥammad 'Alī Tabrīzī, (Mudarris), *Rayḥānat al-adab*, ii, Tabrīz (?) 1328/1949; Shahrīyār Naḳwī, *Farhang-nawīsī-yi Fārsī dar Hind u Pākistān*, Tehran 1341/1962; J. Rypka et alii, *History of Iranian literature*, Dordrecht 1968; Aḥmad Gulčīn-i Ma'ānī, "Maḍjma' al-Furs", in *Maḍjalla-yi adabiyāt u ulūm-i insānī*, *Dānīshgāh-i Firdawst*, x/1 (Maṣḥad 1353/1974).

**SURŪSH**, MUḤAMMAD, 'ALĪ KHĀN, prominent Persian poet of the Kādījār period. He was born around 1228/1813 in Sidih, a district of Iṣfahān. His ancestors were artisans and farmers, and his father was reportedly a butcher by trade (see *Dīwān*, i, introd., 2). About 1243/1827 Surūsh moved to Iṣfahān after his father's death. There he completed his education and also discovered his poetic vocation. In 1247/1831 he left Iṣfahān to find suitable patron-

age, and travelled to various cities. Finally, he settled down in Tabrīz, where he gained access to the heir-apparent, Nāṣir al-Dīn. When the latter came to the throne in 1264/1848, Surūsh accompanied him to Tehran, and after the death of Kā'ānī in 1270/1854, succeeded the latter as the foremost poet of Nāṣir al-Dīn Shāh's court. The monarch awarded him the title of Shams al-Shu'arā' and later elevated him to the rank of Khān. He died at Tehran in 1285/1868-9 and was buried in Kūm.

In his poetry, Surūsh was a follower of old masters like Anwarī, Mu'izzī and Farrukhī [q.vv.]. His main field of literary activity was the *kaṣīda*, in which he is reckoned among the leading exponents of his age. Besides *kaṣīdas*, he composed several *mathnawīs*, of which *Urdūbihisht-nāma* "Book of Urdūbihisht" and *Rawdat al-asrār* "Garden of mysteries" are perhaps the most significant. The former, which comprises over 9,000 couplets, represents an account of the Prophet's life. The second *mathnawī*, *Rawdat al-asrār*, comprises a little over 1,150 couplets. It was first published in 1286/1869-70, and deals with the tragic events that took place at Karbalā'. The poet is also credited with the composition of a *mathnawī*, modelled on Firdawī's *Shāh-nāma* and describing the history of the Kādījār dynasty from its inception to the time of Nāṣir al-Dīn Shāh. Another achievement for which Surūsh is remembered relates to his involvement in the translation of *Thousand and one nights* into Persian. This rendering, made by Mullā 'Abd al-Laṭīf Ṭasūdī, owed its verse extracts to the efforts of Surūsh, who replaced the Arabic originals either by substituting them with verses drawn from the works of Persian masters or, where it was not possible, by translating them himself.

**Bibliography:** Surūsh, *Dīwān*, ed. Muḥammad Dja'far Maḥdījūb, Tehran 1339-40/1960-1, i-ii; Riḍā-kulī Khān Hidāyat, *Maḍjma' al-fuṣṣahā'*, ed. Mazāhir Muṣaffā, ii/1, Tehran 1339/1960; Sayyid Aḥmad Dīwān Begī, *Ḥadīkat al-shu'arā'*, ed. 'Abd al-Ḥusayn Nawā'ī, i, Tehran 1364/1985; Muḥammad Kaẓwīnī, *Wafayāt-i mu'āsīrīn*, in *Yādgār*, v/1-2; Muḥammad 'Alī Tabrīzī (Mudarris), *Rayḥānat al-adab*, Tabrīz (?) 1328/1949, ii; Djalāl al-Dīn Humā'ī, *Surūsh Isfahānī*, in *Makālāt-i adabī*, Tehran 1369/1990, i; Riḍā-zāda Shafak, *Tārīkh-i adabiyāt-i Irān*, Tehran 1321/1942; Ibrāhīm Šafā'ī, *Nahdat-i adabiyi Irān dar 'asr-i Kādījār*, Tehran (?) n.d.; J. Rypka et alii, *History of Iranian literature*, Dordrecht 1968; Muḥammad Dja'far Maḥdījūb, *Dāstānā-yi 'amīyānā-yi Fārsī*, in *Sukhan*, xi/1; Yahyā Āryānpūr, *Az Sabā tā Nimā*, Tehran 1350/1971, i; Muḥammad Mu'īn, *Farhang-i Fārsī*, Tehran 1371/1992, v; 'Abd al-Rafī' Ḥaḳīqat (Rafī'), *Farhang-i shu'arā'*, Tehran 1368/1990.

(MUNIBUR RAHMAN)

**SŪRYA** [see AL-SHA'M].

**SŪS** (A.) "licorice", i.e. the root, and more specifically the decoction from the root of *Glycyrrhiza glabra* L. var. (family *Fabaceae*), a perennial herb indigenous to southern Europe and western Asia. Arabic synonyms of *sūs* (a common Semitic word corresponding to Akkadian *shūshu* and Aramaic *shūshā*) include *ūd al-sūs* and *shadjarat al-furs*, whereas the Persian *mahak/mathak* seems to reflect Sanskrit *madhuka*; the Greek name γλυκύριζα, of which *licorice* is a corruption (< late Latin *liquiritia*), literally means "sweet-root".

From ancient times, the herb has been cultivated throughout the Mediterranean. It grows up to one metre, with four to eight egg-shaped leaves, and axillary bunches of blue flowers. The long, thin underground roots are flexible, fibrous, easily cut, coloured yellow inside, and have a distinctively sweet taste. The